

اثر تقابل و تسالم در روابط سیاسی بر اساس آیات و روایات بر توزیع مجدد

عزیزالله خلیلی^۱

چکیده

روابط سیاسی نیک و بد بین کشورها بر اجرای خطمشی‌های کشوری و بین‌المللی تأثیر مثبت و منفی فراوان می‌گذارد که از حیطة قدرت سازمان مجری خطمشی خارج است و تحت کنترل آن نیست. از دیدگاه اسلامی نیز روابط سیاسی و دیپلماسی امر مهم، حیاتی و مؤثر بر اجرای خطمشی‌ها است. این که اصل بر جهاد باشد یا صلح یا دعوت، هر کدام در اجرای خطمشی توزیع مجدد اثر خاص دارد. اگرچه دیپلماسی اسلامی بر اساس وحی، قواعدی را حاکم بر روابط مسلمانان و کفار می‌داند؛ ولی بین دانشمندان اختلاف است که اصل در اسلام بر جهاد است یا صلح یا دعوت. برخی طرفدار اصل جهاد هستند که طبق این نظریه اصل رابطه مسلمانان با غیرمسلمانان بر اساس جنگ است و صلح عارضه‌ای بیش نیست. در مقابل، دیدگاه تقدم صلح بر جنگ است که می‌گویند آیات مطلق با آیات مقید تقیید می‌خورند. برخی اصالت دعوت را مطرح کرده‌اند که در سیره و سنت پیامبر اکرم (ص) چه در دوره مکی و چه در مدینه، به صورت پنهانی، آشکار و گسترده دعوت قبایل جزیره‌العرب و دعوت سران و زمامداران کشورهای مجاور وجود داشته است. این تحقیق با روش تحلیل تم انجام شده است و به نتایج زیر دست یافته است: تأکید برداشتن روابط نیک سیاسی، حیاتی بودن آن در دیدگاه اسلامی، مطرح بودن سه دیدگاه متمایز: دیدگاه اصالت جهاد، اصالت صلح و اصالت دعوت. بر اساس اصالت جهاد، اصل رابطه بر اساس جهاد است. بر اساس اصالت صلح، اصل بر تعامل و بر اساس اصالت دعوت اولین مرحله تعامل مرحله دعوت و گفتگو است و اصالت صلح و دعوت هزینه‌های جنگی را کاهش می‌دهد و بر توزیع مجدد می‌افزاید.

کلیدواژگان: روابط سیاسی، جنگ، صلح، دعوت و خطمشی.

مقدمه

در جهان کنونی ارتباط با کشورهای اسلامی و غیر اسلامی امر حیاتی و گریزناپذیر است. ارتباط با کشورهای اسلامی زیاد مورد بحث نیست؛ بلکه آنچه مورد خدشه و گفتگو است، رابطه با کشورهای غیر اسلامی است. در این مورد سه دیدگاه متمایز را می‌توان بین دانشمندان اسلامی برجسته کرد. اصالت جهاد، صلح و دعوت.

برخی طرفدار اصل جهاد هستند که طبق این نظریه اصل رابطه مسلمانان با غیرمسلمانان بر اساس جنگ است و صلح عارضه‌ای بیش نیست. در مقابل این دیدگاه، دیدگاه تقدم صلح بر جنگ است که می‌گویند آیات مطلق با آیات مقید تقیید می‌خورند. برخی اصالت دعوت را مطرح کرده‌اند که در سیره و سنت پیامبر اکرم (ص) چه در دوره مکی و چه در مدینه، به صورت پنهانی، آشکار و گسترده دعوت قبایل جزیره العرب و دعوت سران و زمامداران کشورهای مجاور وجود داشته است. بنابراین، در صورت اصالت صلح هزینه‌های جنگی کاهش می‌یابد و اجرای خط‌مشی توزیع بر اساس منابعی که صرف جنگ نمی‌گردد به سامان خواهد رسید؛ ولی اگر اصل بر جنگ باشد، جنگ هزینه‌های زیادی را هم برای تجهیز سپاه دارد که در نتیجه اجرای خط‌مشی توزیع را یا متوقف می‌کند یا کند خواهد نمود. البته اگر در جنگ غنایم زیادی حاصل شود، به اجرای خط‌مشی از طریق اجرای خمس و توزیع مساوی بیت‌المال بین مسلمانان سرعت خواهد بخشید.

۱. روابط بین کشورهای اسلامی و غیر اسلامی

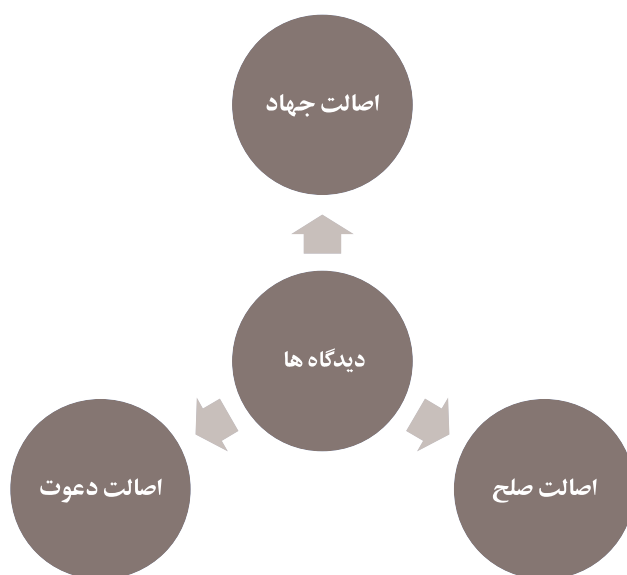
روابط سیاسی نیک و بد بین کشورها بر اجرای خط‌مشی‌های کشوری و بین‌المللی تأثیر مثبت و منفی فراوان می‌گذارد که از حیطة قدرت سازمان مجری خط‌مشی خارج است و تحت کنترل آن نیست (سرتو و پیتز، ۱۳۸۰، ص ۶۸). پیرس و رابینسون، ۱۳۸۳، ص ۷۶). از دیدگاه اسلامی نیز روابط سیاسی و دیپلماسی امر مهم، حیاتی و مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌ها است.

۲. مفهوم دیپلماسی با رویکرد دینی

منظور از دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، فعالیت‌های پیامبر^(ص) و نیز نمایندگان و سفرای منتخب ایشان در راه نیل به مقاصد و ادای وظایف سیاسی دولت اسلامی و تحقق بخشیدن به خط‌مشی‌های کلی اسلام در زمینه سیاست خارجی و همچنین، پاسداری از حقوق و منافع دولت اسلامی در میان قبایل و گروه‌های دینی و دولت‌های غیرمسلمان در خارج از قلمرو حکومت اسلامی است (عمید زنجانی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۲).

۳. دیدگاه‌ها در مورد جنگ و صلح

این‌که اصل بر جهاد باشد یا صلح یا دعوت، هرکدام در اجرای خط‌مشی توزیع مجدد اثر خاص دارد. اگرچه دیپلماسی اسلامی بر اساس وحی، قواعدی را حاکم بر روابط مسلمانان و کفار می‌داند (احمدی و صالحی، ۱۳۸۳، ص ۶۰)؛ ولی بین دانشمندان اختلاف است که در اسلام اصل بر جهاد است یا صلح یا دعوت.



نمودار دیدگاه‌ها در مورد رابطه

۳-۱. اصالت جهاد

برخی طرفدار اصل جهاد هستند که طبق این نظریه اصل رابطه مسلمانان با غیرمسلمانان بر اساس جنگ است و صلح عارضه‌ای بیش نیست. شافعی که امام شافعیان اهل سنت است، جنگ با مشرکان را واجب می‌داند و قائل است تا وقتی که آنان یا باید ایمان بیاورند یا جزیه بپردازند، جنگ ادامه داشته باشد (شافعی، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۱۶۱).

شیخ طوسی از علمای بزرگ شیعی هم چنین نظری دارد و می‌گوید: «هرکس از کفار که مخالف اسلام است، واجب است که با آنان جهاد و کارزار شود» (طوسی، بی‌تا، ص ۲۹۷-۲۹۶).

محقق حلی هم می‌گوید: «بر مسلمانان حرکت به سوی کفار حربی برای جهاد واجب است و اگر شروع جنگ از طرف آنان بود جنگ با ایشان واجب می‌شود و اگر آنان متعرض به جنگ نشوند باز واجب است حرکت به سوی ایشان از برای جهاد» (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۱۱).

علامه حلی هم می‌نویسد: «اهل الکتاب ... یطلب منهم الاسلام او الجزیه فان لم یسلموا و بذلوا حرم قتالهم اجماعاً» (علامه حلی، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۴۶)؛ از اهل کتاب خواسته می‌شود اسلام بیاورند یا جزیه بپردازند پس اگر اسلام نیاورند ولی جزیه پرداختند جنگ با آنها بنا بر اجماع فقیهان حرام است. دلایل این گروه از اسلام شناسان اطلاق آیات جهاد است.

اطلاق در آیات

اطلاق آیات ذیل: «فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» (توبه، ۵)؛ (اما) وقتی ماه‌های حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید، «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» (توبه، ۲۹)؛ با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا و نه به روز جزا ایمان دارند و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می‌شمردند و نه آیین حق را

می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند! «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً» (توبه، ۱۲۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید! آن‌ها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) احساس کنند، «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» (توبه، ۷۳)؛ ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آن‌ها سخت بگیر! و «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَكُمْ أَعْمَالَكُمْ» (محمد، ۳۵)؛ پس سستی نکنید و به صلح فراخوانید در حالی شما برتر هستید و خدا با شما است و از پاداش‌هایتان نخواهد کاست. بر اساس اطلاق این آیات اولاً باید با کفار جنگید و ثانیاً پایان جنگ پذیرش سلطه اسلامی و دادن جزیه است که جنگ منابع مالی اجرای خط‌مشی را کاهش می‌دهد و جزیه دادن آن را افزایش می‌دهد.

اطلاق در روایات

در روایات متعدد نیز اطلاق وجود دارد مثلاً در کتب شیعه و سنی، از پیامبر^(ص) چنین نقل نموده است: «قَالَ النَّبِيُّ^(ص) أُمِرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَإِذَا قَالُوهَا فَقَدْ حُرِّمَ عَلَى دِمَاؤِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۴؛ بخاری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۰۲)؛ پیامبر^(ص) فرمودند: امر شده‌ام که مبارزه کنم تا زمانی که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگویند، زمانی که آن را گفتند خون و اموالشان بر من حرام می‌گردد؛ که اطلاق این روایت جنگ را بر صلح مقدم می‌کند.

۲-۳. اصالت صلح

در مقابل این دیدگاه، دیدگاه تقدم صلح بر جنگ است که می‌گویند آیات مطلق با آیات دیگری تقیید می‌خورند. مرحوم مطهری در این مورد چنین می‌گویند: «میان مطلق و مقید تعارضی وجود ندارد تا بگوییم آیا این آیات را بگیریم یا آن آیات را، بلکه اگر ما باشیم و یک مطلق و یک مقید، بایستی آن مقید را قرینه توضیحی برای آن مطلق بگیریم. پس بنابراین طبق این بیان ما باید مفهوم جهاد را همان بدانیم که آیات مقید بیان کرده است، یعنی آیات قرآن، جهاد را بدون قید و شرط واجب نمی‌داند و

در یک شرایط خاصی واجب می‌داند» (مطهری، بی‌تا، ص ۵۷ و ۵۸).

این دیدگاه بر این باور است که مقتضای فطرت انسان در مناسبات و روابط خود با هموعانش حالت همزیستی و مسالمت است و صلح، قاعده و اصل همیشگی و جاودانی است و جنگ و ستیز یک عارضه است که در اثر انحراف از فطرت انسانی ناشی می‌شود (مهدوی عباس‌آباد و آینه‌وند، ۱۳۹۰، ص ۱۶). درواقع از دید این‌ها دین اسلام نه تنها به دیپلماسی برای رسیدن به اهداف خود معتقد بوده، بلکه مشوق اصل مذاکره و رفع تخاصمات از راه برقراری جلسات گفتگو و استدلال بوده است و جهاد آخرین راه حل دیپلماسی است (مظاهری و منتظری، ۱۳۸۸، ص ۵).

طبقه‌بندی جوامع غیرمسلمان

برخی از طرفداران این نظریه رابطه مسلمانان را سه دسته تقسیم می‌کنند که شامل کشورهای کافر بی طرف، هم پیمان و در حال جنگ می‌شود که در دو صورت اولی طبق آیات «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ ... أَنْ تَبْرُوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ» (ممتحنه، ۸)؛ خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند؛ و «وَأَوْفُوا بَعْدَ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ» (نحل، ۹۱)؛ و هنگامی که با خدا عهد بستید، به عهد او وفا کنید! صلح مقدم است و در سومی جنگ تقدم دارد (شمس الدین، ۱۴۱۰، ص ۱۴۲-۱۳۶).

شیخ شلتوت هم طرفدار این نظریه است و می‌گوید: «اسلام به این جهت سیاست صلح جویانه را به مسلمانان توصیه کرده تا هم به روابط خودشان با یکدیگر حاکم باشند و هم به روابطشان با سایر ملل. بدین لحاظ صلح به عنوان حالت اصلی میان انسان‌ها، زمینه همکاری و آشنایی شان را فراهم می‌آورد و موجب گسترش نیکی میان همگان می‌شود» (شلتوت، بی‌تا، ص ۴۵۳ و ۴۵۴). برخی از طرفداران این نظریه صلح را از دیدگاه قرآن ذاتاً ارزشمند دانسته است و می‌گوید: «از دیدگاه قرآن، صلح خود ارزش و هدف است و کافی است که تبعات خطرناک و فریبی به دنبال نداشته باشد. هدف از صلح، مصلحت‌گرایی نیست. خود صلح مصلحت است زیرا

با زندگی فطری انسان‌ها سازگارتر است و در شرایط صلح، رشد و تعالی انسان و تفاهم برای رسیدن به توافق‌ها و سرانجام به یگانگی آیین بشری و گرایش انسان‌ها به حق امکان‌پذیرتر است. قرآن وصول به اهداف خود را از طریق صلح نزدیک‌تر، آسان‌تر و معقول‌تر می‌داند و از این راه بدان تأکید می‌ورزد» (عمید زنجانی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۴۴).

صلح در قرآن

این دیدگاه با تأویل آیات مطلق به جهاد دفاعی، برای نظر خود دلایلی را اقامه کرده‌اند که شامل آیات، روایات و سیره می‌شود. آیاتی چون «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْخُلُوا فِي السَّلَامِ كُلَّهُ» (بقره، ۲۰۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در صلح و آشتی درآیید! «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ» (ممتحنه، ۸)؛ خدا شما را از کسانی که با شما در مورد دین مبارزه نکرده‌اند و شما را از وطن‌تان اخراج نکرده، باز نداشته است که به آن نیکی کنید و در مورد آن‌ها عدالت به کاربرید، «فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ... إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاؤَكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يَقَاتِلُوكُمْ أَوْ يِقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنْ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يِقَاتِلُوكُمْ وَ أَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا» (نساء، ۸۹ و ۹۰)؛ هر جا آن‌ها را یافتید، اسیر کنید! و (در صورت احساس خطر) به قتل برسائید! ... مگر آن‌ها که با هم‌پیمانان شما، پیمان بسته‌اند؛ یا آن‌ها که به‌سوی شما می‌آیند و از پیکار با شما، یا پیکار با قوم خود ناتوان شده‌اند؛ و اگر خداوند بخواهد، آنان را بر شما مسلط می‌کند تا با شما پیکار کنند. پس اگر از شما کناره‌گیری کرده و با شما پیکار ننمودند، (بلکه) پیشنهاد صلح کردند، خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که متعرض آنان شوید؛ و آیه «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا» (انفال، ۶۱)؛ و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی؛ که دخول در صلح، نیکی به غیر جنگ افروزان، پذیرش کناره‌گیری کناره‌گیران و درخواست صلح، صلح‌طلبان مؤید اصالت صلح است.

صلح در روایات

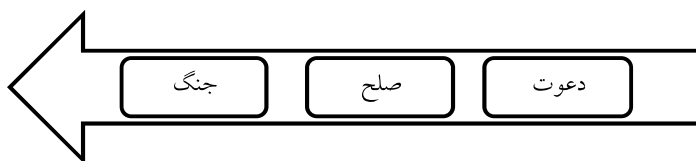
روایاتی نیز دال بر این نظر هست، روایاتی از قبیل «وَلَا تَدْفَعَنَّ صَلْحاً دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَةً لِلْجُنُودِ وَرَخَاءً لِلْهُمُومِ وَأَمْنًا لِلْبِلَادِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ و دفع مکن صلحی را که دشمنت تو را به آن فرامی خواند و رضایت خدا در آن است، زیرا در صلح، آسایش سربازانت و راحتی از مشکلات و امنیت سرزمینت است؛ هم اصالت صلح را تعیین می‌کند. بنابراین، اگر اصل بر صلح شد این اصل، موجب کاهش هزینه‌های جنگی می‌گردد و از تلف شدن منابع در جنگ جلوگیری می‌کند و این منابع می‌تواند به اجرای خط‌مشی سهولت بخشد.

۳-۳. اصالت دعوت

برخی اصالت دعوت را مطرح کرده‌اند که در سیره و سنت پیامبر اکرم (ص) چه در دوره مکی و چه در مدینه، به صورت پنهانی، آشکار و گسترده دعوت قبایل جزیره العرب و دعوت سران و زمامداران کشورهای مجاور وجود داشته است (مهدوی عباس آباد و آینه وند، ۱۳۹۰، ص ۱۹ و ۲۰).

دعوت در قرآن

در قرآن به پیامبر گرامی اسلام توصیه شده است که ابتدا افراد را به دین خودش دعوت کند. اینان به آیاتی چون «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل، ۱۲۵)؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آن‌ها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! تمسک جسته‌اند. اگر این نظریات را به هم تلفیق کنیم، می‌توان به این نتیجه رسید که دیپلماسی اسلامی دارای یک طیف است که از دعوت شروع و به جنگ ختم می‌شود چنانچه در نمودار زیر ترسیم شده است.



نمودار طیف دیپلماسی اسلامی

این طیف نشان می‌دهد که آخرین مرحله دیپلماسی اسلامی جنگ است. دعوت پیامبر^(ص) در مکه و در مدینه، پیمان‌های صلح آن حضرت و آیات جهاد این سیر را تأیید می‌کند.

سیره پیامبر^(ص) و دعوت

دعوت پیامبر^(ع) در مکه که سیزده سال طول کشید و از دعوت سری، شروع و با دعوت خویشان رسمیت یافت و با دعوت علنی به منصفه ظهور رسید (سبحانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۷-۴۰۰) و زجرهای فراوانی را آن حضرت و پیروانش متحمل شدند، مدارا و رأفتی را که ایشان نشان دادند و دعوت‌های فردی که نمودند، فرستادن هیأتی به حبشه (مظاهری و منتظری، ۱۳۸۸، ص ۱۰؛ سبحانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۰۰-۴۱۲ و ۴۵۰) و دعوت در مدینه، نامه‌نویسی آن حضرت به شش نفر از سلاطین عصر خودش (سبحانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۶) و آیات ذکر شده مرحله دعوت را تبیین می‌کنند.

پیمان‌های زندگی مسالمت‌آمیز مسلمانان و غیرمسلمانان در مدینه و پیمان دفاع مشترک بین مسلمانان با یهودیان یثرب (سبحانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱-۲۷)، صلح حدیبیه در سال ششم هجری با مکیان مبنی بر ترک جنگ ده‌ساله، صلح با یهودیان فدک را از موارد این پیمان‌ها برشمرد (ابن اثیر، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۴۰؛ ابن هشام، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۰۸ و ۳۱۰؛ واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۰۶؛ سبحانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۳۹). همچنین صلح با مسیحیان نجران که رسول الله در اوج قدرت بود و در پیمان نامه آمده است: «و لنجران و حاشیتها جوار الله و ذمة محمد النبی رسول الله علی اموالهم و انفسهم و ارضهم و ملتهم و غائبهم و شاهدهم و عشیرتهم و بینهم و کل ما تحت ایدیهم من قلیل او کثیر لا یغیر اسقف عن اسقفیه و لا راهب رهبانیه

ولا کاهن من کهاته» (احمدی میانجی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۷۰)؛ مردم نجران و حومه آن نسبت به مال و جان و اراضی و مردم حاضر و غایب و عشیره و مراکز عبادتشان و هر آنچه دارند چه بسیار چه کم، در پناه خدا و رسول او خواهند بود. هیچ اسقف یا راهب و کاهنی از آنان از مقام خود عزل نمی‌شود و به آنان اهانتی نخواهد شد. صلح با گروه‌های موجود در مدینه که در منشور مدینه آمده است «یهودیان بنی‌عوف نیز امتی هستند با مؤمنان، یهودیان به دین خود و مسلمانان به دین خود می‌باشند» (ابن هشام، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۳۱۷؛ واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۰۲)؛ و وفای به عهد و پیمان طبق آیات قرآن و بیان علت حکم جنگ از قبیل فتنه، ظلم و اخراج، در آیاتی چون «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» (بقره، ۹۳)؛ و با آن‌ها پیکار کنید! تا فتنه باقی نماند؛ «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» (بقره، ۱۹۰)؛ و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْتَهُمْ ظُلُمًا» (حج، ۳۹)؛ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ مرحله صلح را روشن می‌نماید؛ آخرین مرحله آیات مطلق جهاد است که اذن جنگ و جهاد می‌دهد.

بنابراین، در صورت اصالت صلح هزینه‌های جنگی کاهش می‌یابد و اجرای خط‌مشی توزیع بر اساس منابعی که صرف جنگ نمی‌گردد به سامان خواهد رسید؛ ولی اگر اصل بر جنگ باشد، جنگ هزینه‌های زیادی را هم برای تجهیز سپاه دارد که در نتیجه اجرای خط‌مشی توزیع را یا متوقف می‌کند یا کند خواهد نمود. البته اگر در جنگ غنایم زیادی حاصل شود، به اجرای خط‌مشی از طریق اجرای خمس و توزیع مساوی بیت‌المال بین مسلمانان سرعت خواهد بخشید.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث پیش‌گفته نکات زیر به‌دست می‌آید:
داشتن روابط نیک سیاسی بین کشورها بر اجرای خط‌مشی‌های کشوری و بین‌المللی تأثیر مثبت دارد. از دیدگاه اسلامی دیپلماسی امر حیاتی است که در سیره

پیامبر^(ص) فراوان دیده شده است. سه دیدگاه متمایز در مورد ارتباط با جهان از دیدگاه اسلامی وجود دارد: دیدگاه اصالت جهاد، اصالت صلح و اصالت دعوت. بر اساس اصالت جهاد، اصل رابطه بر اساس جهاد است، صلح و دعوت عارضی است. بر اساس اصالت صلح، اصل بر تعامل است و جنگ در مرحله اضطراری قرار دارد. بر اساس اصالت دعوت اولین مرحله تعامل مرحله دعوت و گفتگو است بعد مرحله صلح و جنگ می‌رسد. اصالت صلح و دعوت هزینه‌های جنگی را کاهش می‌دهد و بر توزیع مجدد می‌افزاید؛ ولی اصالت جنگ موجب کاهش منابع می‌شود و خط‌مشی توزیع مجدد را غیر مؤثر می‌کند.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
۱. ابن الاثير، عزالدین علی بن محمد، (۱۴۱۴)، الكامل فی التاريخ، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
 ۲. احمدی، حسین علی و سید مظاهر صالحی، (۱۳۸۳)، اصول اسلامی حاکم بر دیپلماسی با کفار، درس‌هایی از مکتب اسلام.
 ۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۰)، صحیح البخاری، بیروت: دار الفکر.
 ۴. پیرس، جان ای و ریچاد بی. رابینسون، (۱۳۸۳)، مدیریت راهبردی (برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل)، ترجمه محمود حسینی، تهران: سمت.
 ۵. سبحانی، جعفر، (بی‌تا)، سید المرسلین، ترجمه شیخ جعفر الهادی، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.
 ۶. سرتو، ساموئل و پائول پیتر، (۱۳۸۰)، مدیریت استراتژیک، ترجمه علی شمعانی، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
 ۷. شافعی، محمد، (۱۳۹۳)، الام، بیروت: دار المعرفه.
 ۸. شلتوت، محمود، (بی‌تا)، الاسلام عقیده و شریعه، بیروت: دار الشرق.
 ۹. شمس‌الدین، محمد مهدی، (۱۴۱۰)، الاجتماع السیاسی الاسلامی، قم: دار الثقافه للطباعه و النشر.
 ۱۰. علامه حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۹)، تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه آل‌البیت.
 ۱۱. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۷۳)، فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر: چاپ دوم.
 ۱۲. _____، (۱۳۷۹)، فقه سیاسی: حقوق تعهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام، تهران: سمت.

۱۳. محقق حلّی، شیخ نجم الدین، (۱۴۰۳)، معارج الاصول، قم: مؤسسه آل البيت، هدی.

۱۴. مطهری، مرتضی، (بی تا)، جهاد، تهران: صدرا.

۱۵. مظاهری، مجید و منتظری، بهرام، (۱۳۸۸)، رفتار و اخلاق سیاسی پیامبر (ص)، اخلاق، ش ۱۵.

۱۶. واقدی، ابوعبدالله، (۱۴۰۹)، المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.